

## دیداری از سمرقند و بخارای طلائی

« روی گوانزالز دو کلاویجو » Ruy Gonzalez de Clavijo اکبر  
دویست سال زودتر به سمرقند می آمد حصارها ، مساجد ، آرامگاهها و نیز کاخهای  
افراسیاب نامی را بچشم خود میدید . در آن زمان شهر سمرقند دستخوش ویرانی بود .  
با وجود این وقتیکه کلاویجو ، سفیر اسپانیا در دربار تیمور لنگ ، شهر را از دور مشاهده  
نمود دچار شگفتی و حیرت شد ، زیرا آنچه را که میدید شهری بزرگ و نوین بود .  
وی مینویسد ، « باغها و تاکستانها در اینجا بحدی زیادند که انسان وقتی بشهر نزدیک  
میشود ابتدا جنگلی واقعی از درختان سربلک کشیده و سپس در میان آنها شهر را می بیند .  
تیمور پس از فتح نیمی از جهان تعداد بی شماری از بزرگان و رعایایش را که  
در بین آنها هنرمندان ، معماران ، حجاران ، حکاکان و گوهرسازان یافت میشدند به  
پایتخت جدیدش انتقال داد . غرور تیمور هم مانند قدرتش بی انتها بود . وی دهات اطراف  
سمرقند را دوباره نامگذاری نمود و میبایستی از آن پس بنامهای بغداد ، قاهره ، دمشق  
و مانند آن خوانده شوند ، در واقع بزرگترین شهرهای دنیا در مقام مقایسه با سمرقند ،  
پایتخت تیمور ، دهکده ای بیش نبودند .

توده های گرد و غبار حاصل از ساختن بناها در فضای سمرقند در جولان بود .  
کاشیهای فیروزه فام و میناکاری شده مساجد و رنگ آبی روشن حوضها به تکه های از آسمان  
میماندند که در میان انبوه خانه های زرگون پراکنده شده باشند . نواحی مجاور از برکت  
وجود سیزده باغی که در آنجا قرار دارند بنظر دریائی از برگ و سرسبزی بخود گرفته اند .  
بر طبق تاریخچه های موجود ، بزرگترین این باغها یعنی « باغ جهان » بحدی وسیع

بود که وقتی اسب معمار سازنده‌اش بر حسب اتفاق در آن‌گم میشود تنها یک‌ماه بعد پیدا می‌گردد .

اسپانیائیاها بایکدنیا خاطرات شکفت آمیز به وطن خویش باز گشتند . شهر سمرقند و امپراطوری تیمور بنظرشان جاویدان و تقلیدناپذیر میرسید . اما دیری نپائید که تیمور در گذشت و چندین دهه بعد جانشینانش بخارا را به پایتختی برگزیدند . ولی بناهای تحسین‌انگیزی که توسط بردگان و هنرمندان گمنامی ساخته شد ، همچنان پابرجا و استوار ماندند .

### شکوه و جلالی که شهر افراسیاب نام داشت

ای سمرقند تو چنان رفیعی که برستی به باغ عدن میمانی . (احمد بن وادی)  
سمرقند شهر است بزرگ و مدرن با دانشگاه ، آموزشگاهها ، تماشاخانه‌ها و بناهای دیگر . هنوز هم سمرقند تیموری که زمانی پایتخت جهان بود بحیات خود ادامه میدهد ، مناظر مساجد عظیم قدیمی و منظره ساختمانهای قرن بیستم باهماهنگی خاصی آمیخته میشوند .

تپه‌ای بزرگ و بایر واقع در شمال شهر تنها چیزی است که از شهر سلف سمرقند یعنی شهر افراسیاب که بقدمت روم باستان میرسد باقی مانده است بقایای آثار هنری این شهر داستان قرنهایی را که بر حیات آن گذشته بازگویی نماید لشکریان اسکندر کبیر در پای باروها از حرکت باز ایستادند و قوای اعزازی خلفای نخستین بدین شهر روی آوردند . در دورانهای گذشته یک شبکه لوله‌های سربی در شهر افراسیاب کار گذاشته شده بود که قرنهای متمادی به «ارگ» شهر آب میرساند .

در سال ۱۲۲۰ طوایف مغول بدانجا یورش بردند و چون با مقاومت اهالی شهر مواجه شدند ، شهر را مورد چپاول و ویرانی قرار دادند . تا ۱۵۰ سال بعد شهر وضعی اسفناک و رقت بار داشت و باغهای پرفصافش در زیر شنهای روان صحاری مدفون گشتند . روزی که تیمور تصمیم گرفت سمرقند را به پایتختی برگزیند روز تجدید حیات این شهر محسوب شد . در حدود سی سال بعد سمرقند در واقع بصورت پایتخت آسیا و

مرکز پر جنب و جوش فعالیت تجارت و صنایع دستی درآمد و باغهای اطرافش باردیگر احیاء شدند .

مرگ تیمور پایان عظمت و شکوه سمرقند را در پی نداشت . در زمان سلطنت الغ بیک، نوه تیمور، کار عمران و آبادانی سمرقند بهمان شدت و سرعت زمان خود تیمور پیش میرفت . الغ بیک سلطانی مقتدر، دانشمند و منجم بوده و مدرسه‌های زیادی را بنا نموده و بدین ترتیب سمرقند را بصورت مرکز تمدن آسیائی در آورد .

بقایای آنچه که احتمالاً مهمترین اقدام الغ بیک بود یعنی رصدخانه الغ بیک، مدت نسبتاً کوتاهی است که از کشف آن میگذرد. حتی پیش از کشف آن اطلاعات زیادی راجع به آن در دست بود از جمله اینکه در دوره خود در سرتاسر خاور و باختر همانندی نداشت و زبده‌ترین دانشمندان عصر در آن بکار مطالعه و تحقیق گمارده شده بودند و گرچه دور بین‌هایی در اختیار نداشتند، با وجود این زیر نظر الغ بیک موفق به تدوین زیج‌هایی شدند که تا امروز اهمیت خود را از دست نداده‌اند .

ساختمان سه طبقه‌ای رصدخانه با برجهای هفتگانه‌اش پس از قتل الغ بیک توسط عده‌ای متعصب ویران گردید اما باستان‌شناسان از روی قوس يك زاویه یاب که در تخته سنگی کنده شده و خود گواهِ ارزنده‌ای بر نبوغ بشریت میباشد، خاکبرداری نموده‌اند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شاهزاده مومنانی

«آسمانهای لاجوردین باشکفتی در چهره‌ی زمان خیره می‌نگریستند - چه آنها هرگز بناهایی بدین زیبایی و رنگ ندیده بودند» (ابوطاهر حجا)

هر جهانگردی که به سمرقند پامیکندارد میتواند بر حسب ذوق و سلیقه‌اش مناظر و مکانهای دلخواه خود را بیابد . برخی ترجیح میدهند خرابه‌های بنای عظیم «مسجد بی بی خانم» را ببینند، عده‌ای «میدان ریگستان» را با مدرسه‌هایی که در آنجا قرار گرفته می‌بسنند و بالاخره پاره‌ای دیگر از سادگی غرور آمیز «کور امیر» خوششان می‌آید .

اما در مورد خود باید بگویم که مایلم هزاران بار دیگر سمرقند را به بینم تنها باین منظور که بتوانم در سکوت و خلوت «شاه زنده» یعنی آن محیط بی نظیر و سحر آمیزی که مقابر بزرگان در آن بنا شده، فروروم. گرچه این آرامگاهها در طی صدها سال یکی بعد از دیگری ساخته شده اند، معینا اثری که مجموعه آنها روی ذهن بیننده میگذارند، فراموش نشدنی است.

آئین «شاه زنده» مدتها پیش از ظهور دین اسلام و در زمان جلال و شوکت افراسیاب رواج داشت. دلبستگی مردم باین آئین بآن درجه بود که پیروان اسلام مصلحت در آن دیدند که از برخورد و ستیزه جوئی بآن خودداری کنند ولی در عوض سعی نمودند از آن برای بالابردن عظمت و شکوه دین جدید استفاده کنند و بدین ترتیب بود که روایت هشام بن عباس پسر عم پیغمبر بر سر زبانها افتاد. بنا بر این روایت هشام بن عباس و یارانش هنگام نماز گزاردن مورد حمله کفار قرار گرفته قطعه قطعه شدند. هشام بن عباس سر بریده خود را برداشت و بدرون چاهی عمیق رفت و از آن زمان تا کنون در بهشت زندگی میکند.

خویشاوندان و نجبای دربار تیمور هر يك برای خود مقبره ای در نزدیکی «شاه زنده» ساختند. هر يك از این مقابر که خود گوهری از معماری خاور زمین میباشد با نظمی افسانه ای یکی بر بالای دیگری در کنار تپه ای قرار گرفته اند.

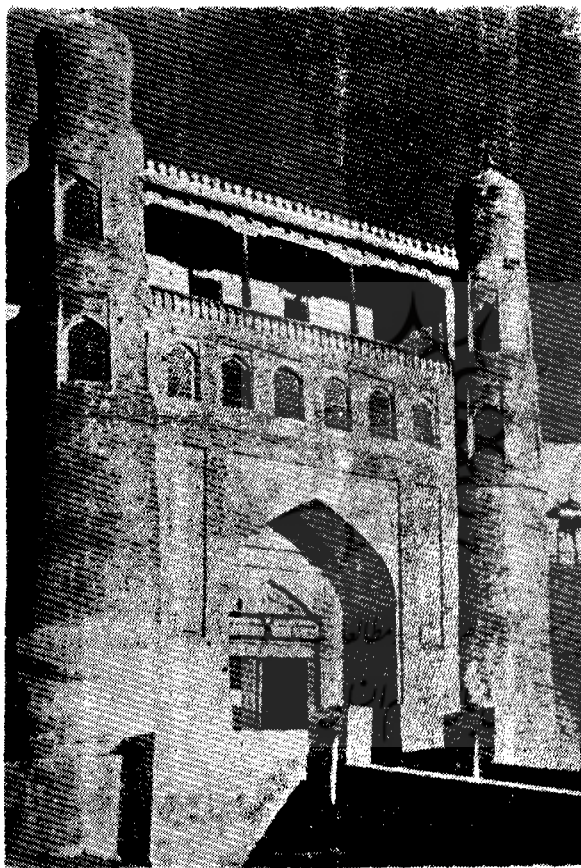
معماران و مورخین باسانی میتوانند آنها را بر حسب دوره و سبک طبقه بندی نموده درباره زیبایی طاقها و گنبد های آن داد سخن دهند. آنچه که هنوز هم کنجکاو مرا برمی انگیزد این موضوع است که چگونه مقابر افرادی با اینهمه اختلاف در کنار هم دیگر قرار گرفته اند از جمله: کور دختری گمنام، آرامگاه یکنفر مسلمان معروف بنام حجاج احمد، مقبره همسر تیمور، مزار يك سرباز مشهور با اسم امیر بوروندوک و مهمتر از همه آرامگاه «رومی» منجم نامی که دوست و صاحب الغ بیک بود. وی مردی منیع الطبع و بی علاقه به مال و ثروت، ولی دانشمندی برجسته بود. پس از مرگش بدستور الغ بیک آرامگاهی برای وی در کنار آرامگاه شاهزادگان و خوانین ساختند.

## چشم اندازی از فراز «منارمرگ»

در سراسر خراسان و ماوراءالنهر شهری بزرگتر و پرجمعیت تر از بخارا

نمی‌توان یافت .

( ابواسحق ابراهیم اشتری )



سمرقند و بخارا حتی از  
زمانهای بسیار دور یعنی از  
دوران افراسیاب هم رقیب  
یکدیگر بوده‌اند . بر طبق  
افسانه‌ها و روایات ، سیاوش  
بنیان گذار بخارا بدست  
افراسیاب شاه کشته شد .  
گفتن اینکه کدام يك از این  
دو شهر قدیمی تراست کاریست  
بس مشکل ولی در هر حال  
میدانیم که در قرن ششم يك  
نفرحا کم ترک ، بخارا را به  
پایتختی برگزید و نیز میدانیم  
که يك قرن بعد قلعه‌ای بشکل  
بنات النعش در آنجا ساخته

شد . در زمان سامانیان بخارا شهری بزرگ و پایتخت يك امپراطوری بود . پس از مرگ  
تیمور پایتخت امپراطوری روبروالش که هنوز هم رمقی داشت به شهر بخارا منتقل گشت  
تا صدها سال بعد بخارا از بزرگترین شهرهای آسیای مرکزی بشمار میرفت .

زمان ، بخارا را از گزند ویرانی مصون نگه داشته‌است و نسبت باین شهر که در

قلب بیابان قرار گرفته بیش از سمرقند توجه داشته است. گرچه امروزه، همانطوریکه قبلاً ذکر نمودم، سمرقند شهر بزرگ و مدرنی میباشد بخارا از جهات بشمارای شهرست موزه‌ای. ممکن نیست بنائی را پیدا نمود که بتواند با «مسجد بی بی خانم» یا «شاهزنده» سمرقند برابری کند، اما بخارا خود پنهانی بنائی است از هنر آسیای مرکزی.

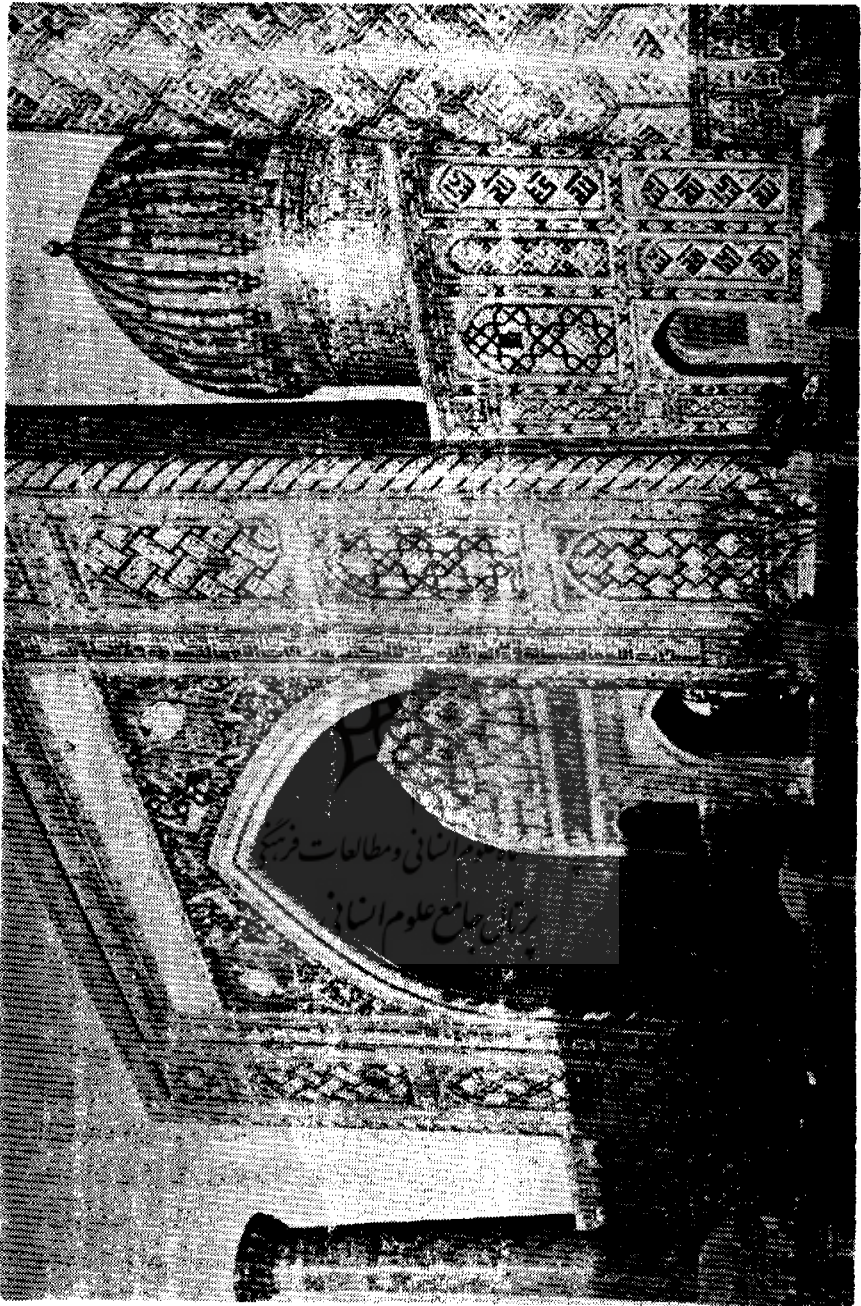
منار کالیان که آنرا منار بزرگ یا منار مرگ نیز می نامند بیش از هشت قرن است که بر تمامی شهر بخارا مسلط است. از سکوی فوقانی اش، که صدای مؤذنین طی صدها سال از آنجا بگوش مؤمنین میرسد و آنها را بنمازمیخواند، میتوان منظرهای از تمامی شهر را دید از جمله: محل های جدید با سرسبزی و خرمی بیش از اندازه شان، ارگ شهر، بامهای زرگون و بی شمار خانه های قدیمی، کنبه بازارهای سرپوشیده، انتهای کلدسته ها و منارها که برنگ آبی هستند و خیا با نهایی باریک که بطور مارپیچ از جلوی خانه ها گذشته وارد میدانهای کوچکی میشوند که تصویر چهارچوب های کنده کاری در حوضها منعکس شده، سپس از طاقها و معا بر سردی عبور میکنند و سرانجام به حصارهای ضخیم سنگر شهر ختم می شوند.

صحاری مجاور گرد و غبار و گرمای شن ها را بداخل شهر می آورند. تپه های بیشمار که هر یک بقایای شهری را در زیر خود نهفته دارند تا فرسنگها مسافت، صحاری اطراف بخارا را می پوشانند.

موقعیکه تپه های شنی بحرکت در می آید، گاهی سکه هائی که در اثر گذشت زمان برنگ سبز در آمده اند و یا تکه های سفال و آجرهای قدیمی از زیر شنها پیدا میشوند.

اما از فراز منار کالیان نمیتوان تپه ها را دید چون در زیر آن بوده گرد و خاک و در آنسوی باغستانهای سرسبز، ساختمانهای مدرن و کشتزارهای ساکسول Saksaul قرار گرفته اند. این شهر موزه ای پای برجا مانده و ساکنان آن در حفظ و نگهداری قلب شهر که بسیار قدیمی است، کوشا میباشند. هنگامیکه به اتومبیل هائی که در پای ارگ شهر، یعنی همانجائی که یک قرن پیش جلادان سر متردین و گردنکشان را از تن جدا می کردند،





کتابخانه ملی و اسناد  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

پارك نموده‌اند یا به دخترهائی که پیراهنهای گلدار پوشیده و به رسو درحر کنند یا به جهانگردانی که دورین‌هایشان را برای فیلمبرداری از بنای مسجدی میزان میکنند، نگاه کنید ، متوجه میشوید که کهنه و نوباهم آهنگی خاصی دست‌بده‌اند.

حال اگر از بالای منارها پائین آئیم و لحظه‌ای چند در شهر گردش کنیم ، دیدنیهای زیادی را بچشم خواهیم دید: یکجا مسجد کوچک و مسحور کننده‌ای راهی بینید در جای دیگر بنائی قدیمی با ستونهای چوبی و کنده کاری شده‌اش ، کمی دورتر درخت تنومند هزارساله‌ای را با خانه‌های اطراف آن مشاهده می کنید و بالاخره ممکن است شاهم مثل من از دیدن بازارهای سرپوشیده، دچار شگفتی شوید. فقط تعداد انگشت شماری از این ساختمانها که مربوط به اواخر قرون وسطی میباشند تا با امروز پا برجا مانده‌اند و از آن جمله میتوان بازار گوهر فروشان و بازار صرافان را نام برد .

## «عناوین و القاب» ۱

در میان اسناد روابط ایران و اطریش نوشته‌جیمز موریه سفیر انگلیس در دربار فتحعلیشاه ملاحظه شد که بخواهش سفیر اطریش طرز نگارش عناوین و القاب را در نامه‌های رسمی سلاطین به پادشاه ایران بشرح زیر قلمی نموده است :

تاریخ نامه سی‌ام ژوئن ۱۸۱۶ است .

عنوانی که برای پادشاه ممالک محروسه ایران باید نوشت :

اعلیحضرت جمشیدسریر - قدر قدرت خورشیدضمیر - شاهنشاه فلك جاه - بهرام غلام ستاره سپاه - خسرو عدل گستر - داور دارا چاکر - سلیمان تخت - فریدون بخت - دستان تدبیر تهمتن توان - پرویز سریر - آرایش کمال - مهرچهر - هلال رایت - تیردبیر - مریخ‌رایت السلطان الاعظم والملك الاعدل الاكرم السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان شهریار تاجدار - گردون وقار - ظل ممدود حضرت پروردگار - شهریار زمان و زمین - قهرمان المأمین - مالک ازمه الامم - ملک ملوک العرب والمعجم - ابوالنصر والفتح والظفر فتحعلیشاه قاجار - شاهنشاه ممالک ایران خلداله‌ملکه وسلطان‌ه‌واید علی‌المالین احسانه .

۱- از کتاب «روابط ایران و اطریش»، تألیف آقای محسن مفخم که در دست چاپ است.